

علوم بشرى از منظر قرآن كريم

حسين اسماعيلى^۱

چکیده

اين پژوهش، در ارتباط با علوم بشرى از منظر قرآن كريم مى باشد.

از آن جا كه قرآن كريم كتابى جامع و كامل بوده، جهت هدايت بشر و يكى از نيازهاى بشر فراگيرى علوم مختلف مى باشد، از اين رهگذر قرآن كريم به اين موضوع پرداخته است و انسان ها رابه فراگيرى علم و دانش فراخوانده است در اين مقاله در ابتدا

به اهميت قرآن توجه شده، سپس ديدهگاه قرآن، در ارتباط با علوم تجربى، بيان شده، بحث عدم تعارض بين قرآن و علوم بشرى مطرح، و به علمى كه از قرآن كريم الهام گرفته شده كه دانشمندان، آنها را كشف كرده اند. از جمله زوجيت اشياء، حركت زمين و كهكشان ها، عمل لقاح بادهاء، آب كه علت پيدايش هر موجود زنده اى مى باشد. در نهايت به اين نتيجه متهى مى شود كه خيلى از علوم بشرى الهام گرفته از قرآن كريم مى باشد.

واژگان كليدى: قرآن كريم، علوم، علوم بشرى، علوم تجربى، دانشمندان

مقدمه

همه بیشتر» (محمد بن حسین شریف رضی ۱۳۷۴ ت سید

جعفر شهیدی ص ۱۰۷ خ ۱۱۰)

امام علی بن الحسین، زین العابدین (ع) در دعای ختم

قرآن کریم، در فرازی از سخنان خود می فرماید:

«بارخدایا ما را از کسانی قرار ده، که به ریسمان قرآن

چنگ می زنند؛ و در فهم متشابهاتش، به پناهگاه محکم، و

استوارش پناه می برند، و در سایه بال آن آرام می گیرند؛ و به

رو شنی با مدادش راه می یابند، و به درخشیدن رو شنایی آن

اقتدا می کنند؛ و از چراغ تابان آن روشنی برمی گیرند، و از

تابش فروغ چراغش جان خویش را روشن می سازند، و

هدایت را تنها از او می طلبند. (خلجی، محمد تقی ۱۳۸۰ ص

۲۲۴ خ ۴۲)

دیدگاه قرآن کریم درباره علوم تجربی

خداوند تبارک و تعالی، در قرآن کریم بر تعقل، و

تفکر، تأکید بسیاری نموده است، آن گونه که مطرح می

کند، از آنچه بر آن علم ندارید پیروی نکنید، «وَلَا تَقْفُ مَا

لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء/۳۶) به انسان ها سفارش می کند،

به خلقت حیوانات، و آسمان ها و زمین، بنگرید تا به

عظمت و حکمت خداوند پی ببرید. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَأَنْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُدْشِي الدُّشَاءَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عنکبوت/۲۰)

از دیدگاه قرآن کریم، بدترین جانداران، نزد خداوند

کسانی هستند، که کر و لال اند، و به هیچ رو تعقل نمی

کنند. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»

(انفال/۲۲). قرآن کریم، همچنین دوزخیان را افرادی معرفی

می کند که به دستور عقل رفتار نکرده اند. «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا

نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/۱۰)

امام کاظم (ع) می فرماید:

علوم بشری، از منظر قرآن کریم، یکی از مباحث مهم، و

مورد توجه می باشد قرآن کریم، گرچه قوانین کلی و اصولی

را بیشتر مورد توجه قرار داده است، ولی از لابلاى آیات قرآن

کریم اشاراتی هم به مسأله علوم شده است؛ گرچه هدف

اصلی قرآن کریم، هدایت بشر و آشنایی انسان با دستورات

انبیاء الهی و رساندن انسان ها به سر منزل مقصود می باشد.

خداوند تبارک و تعالی، روح بشر را با فطرت توحیدی

آفریده، و آن را غیر قابل تبدیل معرفی می کند: «فَطَرَتِ اللَّهُ

الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم/۳۰)

در همین رابطه پیام قرآن به پیامبر اکرم (ص) این است:

خدای متعالی آنچه که، توان علم به آن نداشتی به تو آموخت:

«وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ» (نساء/۱۱۳) و به دیگران می

فرماید: «وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۱۵) یعنی: «به

شما می آموزد آنچه را که نمی دانستید».

علوم بشری، از نگاه قرآن کریم، مورد توجه است؛ در

مرحله اول، قرآن کریم، خیلی از علومی که بشر قدرت بر

یادگیری و کشف آن ها را نداشته به بشر تعلیم داد، توسط

پیامبر اکرم (ص)، قرآن کریم همانند چراغی پرفروغ فراروی

بشریت قرار دارد؛ تا راه روشن را ببیناید، و از علم بهره وافر

ببرد، و در عمل بکوشد به آموخته های علمی خود عمل کند،

و آنها را در معرض استفاده دیگران قرار دهد.

امام علی (ع) درباره قرآن کریم، در نهج البلاغه می فرماید:

«قرآن را بیاموزید، که نیکوترین گفتار است؛ و آن را نیک

بفهمید که آن بهار دل هاست، طلب شفاعت کنید به نور او که

او شفای سینه هاست، آن را نیکو تلاوت کنید که سودمندترین

بیان است، عالمی که به علم خود عمل نکند چون نادانی

است، سرگردان، که از بیماری نادانی نرهد، بلکه حجت بر او

قویتر است و حسرت او را لازمتر، و نزد خدا سرزنشش از

پاره ای از اندیشمندان مسیحی نیز چنان فلسفه ارسطو و از جمله کیهان شناسی او را با الهیات مسیحی درآمیختند که هرگونه انتقادی به کیهان شناسی ارسطو، در واقع مخالفت با دین تلقی می شود. (همان، ص ۶۳)

البته چنین تعارضاتی را نباید به حساب تمام کتاب های آسمانی از جمله قرآن کریم گذاشت و چنین نتیجه گرفت که قرآن با علم ناسازگار است.

قرآن کریم به صورتی زیبا و لطیف با اشاره به حرکت زمین، آن را به گاهواره تشبیه می کند، از این رو که زمین نیز چون گاهواره در حرکت است. دانشمندان علوم نجوم مانند کپرنیک، گالیله و کپلر نیز به شیوه خاص خود و از طریق روش تجربی به حرکت زمین اشاره می کنند.

گالیله، طبیعت و متن مقدس را دو راه هم طراز و رهنمون به خداوند می داند. (همان ص ۳۶)

انسان و علم در قرآن

در این رابطه به بیان مولف کتاب صورت و سیرت انسان در قرآن اشاره شود که می فرماید: «علمی که با انسان زاده می شود و به همراه او رحلت می کند، مربوط به خداشناسی، آشنایی با اسمای حسناى حق، خطوط کلی وحی و نبوت و راههای اصلی رسالت و شریعت و ... است که از نظر قرآن، همگی صاحب خانه جان انسان و علوم فطری است و از شمار آنها می توان گرایش به فضیلت و پرهیز از رذیلت (پس از آشنایی با هرکدام) را نام برد.

خدای سبحان ارواح تمام بشر را با فطرت توحیدی آفریده است، و آن نحوه خلقت را تبدیل ناپذیر معرفی می کند. «فَطَرَتَ اللّٰهَ الّٰتِیَ فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ» (روم/۳۰). در بخش دیگری از قرآن کریم نیز می فرماید:

خداوند، بر مردم دو حجت دارد؛ حجت آشکار و ظاهری و حجت باطنی، انبیا و ائمه (ع) حجت آشکارند، و عقول مردم نیز حجت باطنی (کُلینی، محمدبن یعقوب ۱۴۰۱ ق ج ۱ ص ۱۶)

پیامبر اکرم (ص)، طلب علم را بر هر مسلمانی واجب می شمارد (همان ص ۳۰)، در این روایت علم به صورت عام آمده، شامل همه علوم می شود. ایشان در روایتی دیگر می فرمایند: «علم را طلب کنید هرچند در چین باشد.»

(متقی هندی، علی بن حسام الدین ۱۳۴۰۹ ق ج ۱۰، ج ۲۸۶۹۷) علمی که در آن زمان، در چین بوده، علم دینی نبوده است. چه آن که مرکز یادگیری علم دینی، مکه و مدینه و دیگر نقاطی بود که پیروان شرایع پیشین، در آن می زیستند بنابراین قرآن کریم، بر خردورزی و فراگیری علوم تأکید بسزا دارد. در حالی که اگر علوم، متعارض و ناسازگار با قرآن باشد، چنین تأکیدی صحیح نیست، از این رو می توان نتیجه گرفت که یافته های علم نمی تواند با آموزه های قرآنی در تنافی باشد، حتی می توان گفت یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم، اعجاز علمی آن است.

البته در کتاب مقدس مسیحیان، آموزه هایی وجود دارد. که با عقل و نتایج علمی سازگاری ندارد. شاید یکی از دلایل این ناسازگاری، تحریف شده بودن کتاب مقدس مسیحیان باشد که قرآن و تحقیقات تاریخی نیز، این تحریف را تأیید می کنند. حتی به اذعان برخی از متفکران مسیحی، انجیل های چهارگانه، پنجاه سال پس از حضرت مسیح (ع)، تألیف یافته اند. بر اساس تحقیقات تاریخی، پنج کتاب اول عهد عتیق نیز که ستناً منسوب خود موسی (ع) است، نشانه هایی از چند مؤلفی بودن دارد که مربوط به زمان های مختلف است. (باربور، ایان، ت خرمشاهی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۰)

درباره لاحقه و سرانجام این علوم بشری نیز قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا» (نحل/۷۰) یعنی برخی از انسان ها که به فوتوتی و کهن سالی می رسند، هر آنچه را که خوانده و دانسته اند از یاد می برند. اینجا نیز کلمه «شئیًا» نکره در سیاق نفی است و دلالت دارد که ذره ای از آنچه در طول عمر کسب کرده اند، در حافظه علمی برخی از آنان باقی نمی ماند. بسیاریند عالمان کارآمد که سال ها بر کرسی تحقیق و تدریس تکیه زدند، اما پس از صرف عمری طولانی در راه تعلیم و تدوین، همه اصطلاحات علمی را از یاد بردند. ایشان نتیجه گیری می کنند دو دسته آیات در زمینه علم و جهل انسان وجود دارد یک دسته آیاتی که می گوید بشر به همراه سرمایه های علمی آفریده شده است و یک دسته آیات، بشر را در حال آفریده شدن جاهل می داند که به تدریج در طول عمر خود از جهل به سوی علم، حرکت می کند. مضمون دسته اول ناظر به علوم و معارف الهی و اصول ارزشی نظیر خداشناسی، معادشناسی، شناخت فضائل است و سخن افلاطون درباره تذکری بودن علوم در این باره صحیح است. دسته دوم درباره دانش هایی چون علوم تجربی، ریاضی و ... است که محصول کاوش های بشری و مهمان روح آدمی بود و اثبات صحت آن رأی افلاطون در مورد این علوم، دشوار است. (جوادی آملی، عبدالله ۱۳۷۹ ج ۱۴ ص ۱۵۳-۱۵۵)

علوم بشری ملهم از قرآن کریم

قرآن کریم از حوادثی نام می برد:

استاد مطهری می فرماید: در سراسر قرآن کریم، آیات بسیاری است که طبیعت، یعنی زمین، آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، باران، جریان باد، حرکت کشتی ها در

«وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس/۷-۸) یعنی خداوند، روح انسان را تسویه کرد و تسویه روح به این است که تباهی و تقوای جان آدمی را به او آموخت و مرحله «نفس ملهّمه» را محقق فرمود. پس دانش هایی چون خداشناسی و شناخت اصول ارزشی، در نهاد هرکس تعبیه و به همراه جان او آفریده شده است.

از این رو سخن، افلاطون که همه علوم را تذکر و یادآوری دانسته های پیشین می داند، در این بخش یعنی علوم میزبان و اصلی و ارزشی، صحیح است.

ایشان در ادامه می فرماید: «اما علمی که از عوارض روح آدمی است و مهمان نفس بشر به شمار می رود، از راه اکتساب و تحصیل به دست می آید. مانند پزشکی و همه شاخه های آن، مهندسی و تمام شعبه های آن، اخترشناسی، زمین شناسی، کشاورزی، زیست شناسی، جانوری و گیاهی و دهها رشته دیگر از علوم بشری و زیرمجموعه ی آنها که هیچ یک در نهاد انسان ذخیره نشد؛ و درباره آنها آگاهی قبلی وجود نداشته است. بلکه بشر به تدریج، آنها را تحصیل کرده است و در پایان عمر نیز ممکن است آن ها را از دست بدهد.

قرآن کریم درباره سابقه این علوم می فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا» (نحل/۷۸) یعنی خداوند شما را از شکم مادران، خارج کرد، در حالی که به هیچ چیز آگاهی نداشتید. کلمه «شئیًا» (که در اصطلاح ادبی، نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند) دلالت دارد که آدمی به هنگام زاده شدن، هیچ شئی از این علوم عادی و بشری را نمی دانست و همه را از چشم و گوش و عقل فرا گرفت: «وَجَعَلْ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل/۷۸) پس هیچ کس همزاد با هیچ علم بشری به دنیا نیامده است.

زوجیت در همه اشیاء وجود دارد و از جمله در عالم اتم ها، امروزه روشن شده است که اتم از اجزاء مختلفی تشکیل شده، اجزائی که دارای بار الکتریسیته منفی هستند و الکترون نامیده می شوند و اجزائی که دارای بار الکتریسیته مثبت هستند و پروتون نامیده می شوند، ممکن است مقصود از زوجیت دو جنس متقابل باشد، مانند شب و روز، آسمان و زمین، دریا و خشکی، نور و ظلمت و ... چنانچه در روایتی از امام رضا (ع) آمده است که:

«خداوند اشیاء جهان را متضاد آفرید تا روشن شود، برای او ضدی نیست و آن ها را با هم قرین ساخته تا معلوم شود قرینی برای او نیست، نور را ضد ظلمت و خشکی را ضد تری، و خشونت را ضد نرمش، و سرما را ضد گرما قرار داده در عین حال اشیاء متضاد را جمع کرده و موجودات نزدیک به هم را از هم جدا نموده تا این جدایی، دلیل بر جدا کننده، و آن پیوستگی دلیل بر پیوند دهنده باشد و این است معنای «و من کل شیء خلقنا زوجین» (حویزی، عبد علی بن جمعه ۱۳۸۳ ق ج ۵ ص ۱۳۰)

۲- حرکت فلکها

خداوند حکیم می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (انبیاء/۳۳) «او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر یک از آنها در مداری در حرکتند» آیه مذکور، اشاره به حرکت فلکها دارد که در آسمان شناورند، منظور از حرکت خورشید، حرکت دورانی به دور خویش و یا حرکتی است که همراه منظومه شمسی دارد. گفته شده تمامی فلک ها در حرکتی شناورند که علم امروز به برخی از آن ها رسیده است، ولی قرآن در هزار و چهار صد سال پیش بر آن اشاره نموده است.

دریاها، گیاهان، جانداران و بالاخره هر امر محسوسی را که بشر در اطراف خود می بیند، به عنوان واقعیت هایی که درباره آن ها دقیقاً باید اندیشید و تفکر و نتیجه گیری کرد، یاد کرده است؛ «بگو به مردم: به آنچه در آسمان ها و زمین است ژرف بنگرید» (یونس/۱۰۱)

افزون بر این در نگاه قرآنی، جهان، واقعیتی از اوایی و به سوی اوایی دارد؛ یعنی یک واقعیت متغیر و متحرک و دائم در حال خلق شدن است، جهان یک واقعیت هدایت یافته در چارچوب نظام متقن سبب و مسببی است و قوانین تغییر ناپذیر دارد، زمین و آسمان به حق و عدل برپاست. (مطهری، مرتضی ۱۳۸۲ ج ۲، انسان و ایمان ص ۷۰)

۱- زوجیت در قرآن

قرآن کریم در آیاتی به زوجیت هر شیء اشاره می کند و می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (رعد/۳) «او کسی است که زمین را گسترده و در آن کوهها و نهرهایی قرار داد و از تمام میوه ها در آن دو جفت آفرید» خداوند متعال در آیات مختلف اشاره به زوجیت برای تمامی اشیاء می نماید و بیان می دارد که در زندگی انسان، حیوانات، نباتات، جامدات و ... زوجیت وجود دارد و هرکدام دارای نر و ماده هستند که از طریق عمل لقاح، بارور می شوند. اگر دانشمند معروف سوئدی، در قرن ۱۸ میلادی، موفق به کشف مسأله زوجیت در گیاهان می شود و بیان می دارد که جهان گیاهان، همچون حیوانات از طریق آمیزش نطفه نر و ماده بارور می شوند، قرآن در چهارده قرن قبل، آن را بیان داشته است. (مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۷۷ ج ۱۰ ص ۱۱۵)

خداوند زمین را تشبیه می کند به همچون گهواره که مکانی است آماده برای نشستن و خوابیدن، در آیه شریفه، زمین را مهد آرامش و آسایش قرار داده است و حرکتهای وضعی و انتقالی آن بسیار آرام است و به واسطه کرویت زمین و قانون جاذبه آن، و همچنین قشر عظیم هوایی که اطراف آن را گرفته است می تواند محل آسایش و راحتی و مکان امنی برای زندگی باشد (مؤدب، سید رضا، ۱۳۷۹ ص ۱۹۸). نظریه حرکت زمین، نظریه ای است که قرآن کریم به آن اشاره کرده است، با ظرافت گرچه امروزه بشر به آن رسیده و آن را به عنوان یک نظریه علمی مطرح کرده است.

حرکت شهاب ها به سوی زمین و کنترل آن توسط نیرویی در برابر زمین و گازهای اطراف زمین و دیگر کرات، از شگفتیهایی هست که امروزه دانشمندان بر برخی از آنان آگاه شده اند.

کرسی مورسین می گوید: «اگر هوای محیط زمین اندکی از آنچه هست رقیق تر می بود اجرام سماوی و شهاب هایی که هر روز به مقدار چند میلیون عدد به آن اصابت می کنند و در همان فضای خارج منفجر می شود، دائماً به سطح زمین می رسیدند و هر گوشه آن را مورد اصابت قرار می دادند. (کرسی، مورسین ت سعیدی، محمد ۱۳۵۴)

۳- عمل لقاح بادها

خداوند کریم می فرماید: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ» (حجر/ ۲۲) «ما بادها را برای تلقیح فرستادیم» آیه شریفه اشاره دارد که برخی از درختان و ... برای بارور شدن نیاز به عمل لقاح، بادها دارند. از این روی بادها بارورکننده اند. آیه شریفه، می تواند اشاره به تلقیح گیاهان به وسیله بادها و گردافشانی باشد. زیرا بادها نقش مهمی در انتقال گرده های نطفه نر و بارور ساختن گیاهان دارد، همچنان که آیه شریفه می تواند اشاره به عمل لقاح ابرها توسط بادها باشد که موجب نزول باران است. زیرا در ادامه آیه از نزول باران سخن گفته شده است، اینکه کشاورزان در نخلستان ها از گرد نخل نر می گیرند و به نخل های ماده می پاشند که بارور شوند می تواند، ملهم از همین آیه شریفه باشد.

۵- آب مایه حیات

خداوند متعال می فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» (انبیاء/ ۳۰) پیامبر اکرم فرمود: «كُلُّ شَيْءٍ خُلِقَ مِنَ الْمَاءِ» «هر چیزی از آب آفریده شده است» (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق ج ۵۴ ص ۲۸۰ ش ۱۷۰). طبق آیه شریفه و فرموده پیامبر اکرم (ص)، همه موجودات منشأ هستی خود را از آب گرفته اند، مرحوم صدوق از جابر بن جَعْفَى - که از بزرگان تابعین به شمار می رود - از امام باقر (ع) پرسش هایی دارد، از جمله در رابطه با آغاز آفرینش جهان می پرسد، امام در جواب می فرماید: «نخستین آفریده ای که خداوند خلق کرد، چیزی است که تمامی اشیاء از آن است و آن آب است» (صدوق، محمد بن علی بن الحسین، ۱۳۴۶ ص ۶۷ ش ۲۰)

۴- گهواره بودن زمین

مرحوم کلینی، در روضه کافی روایتی از امام باقر (ع) آورده که در جواب مرد شامی فرمود: «نخست آن چیزی را آفرید که همه چیزها از آن است، و آن چیز آب است در نتیجه خداوند نَسَبَ هر چیزی را به آب رساند ولی برای

خداوند متعال می فرماید: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا» (طه/ ۵۳) «همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راههایی در آن ایجاد کرد»

که تشکیل شده از جسم و روح و علوم مختلف پزشکی، و روان پزشکی و روان شناسی که هرکدام به نوبه خود با جسم و جان آدمی سروکار دارند. خیلی از علوم بشری امروزه الهام گرفته از علوم قرآنی است از جمله طبیعت، یعنی زمین، آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، باران، جریان باد، حرکت کشتی ها در دریاها، گیاهان، جانداران، هر امر محسوسی که بشر در اطراف خود می بیند. از صنایع مختلف در قرآن نام برده شد. از افلاک و کهکشانها، زوجیت اشیاء، آب که مایه حیات و زندگی و منشأ پیدایش همه چیز است. به موازات پیشرفت علوم نیاز به قرآن بیشتر می شود. ابعاد تازه تری از اعجاز علمی قرآن آشکار می شود، و نیاز بشر نسبت به مطالعه دقیق تر آیات قرآن کریم جهت کشف مطالب علمی بیشتر می شود و سرّ تازگی و پویایی قرآن کریم، همین است که از طرف خداوند حکیم نازل شده و حکمت های علمی آن با مرور زمان شکوفاتر شده و غبار گذشت زمان بر چهره تابناکش نمی نشیند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- باریور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران مرکز نشر دانشگاهی
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، ج ۱۴، قم، مرکز نشر اسراء ۱۳۷۹
- ۴- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، قم، چاپ علمیه، بی تا
- ۵- خلجی، محمدتقی، صحیفه کامله سجادیه، قم، انتشارات میثم تمار چاپ دوم ۱۳۸۰
- ۶- کرسی، موریسین، راز آفرینش انسان، ترجمه، محمد

آب نسبی که بدان منسوب شود قرار نداد. (کلینی، محمدبن یعقوب، ج ۸ ص ۹۴ ش ۶۷)

آیه شریفه: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (و اوست که آسمان ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش [تدبیر] او [پیش از آن] بر آب بود) دلالت دارد که پیش از پیدایش جهان هستی، از آسمان ها گرفته تا زمین، آب پدید آمده است، زیرا در تعبیر «و كان عرشه على الماء» واژه «عرش» کنایه از عرش تدبیر و منظور علم خدای متعال است به همه مصالح و شایستگی ها و بایستگی های هستی، در برهه ای که جز آب چیزی نبوده است در نتیجه آب کنایه از آن است که خدای تعالی بود و هیچ چیز با او نبود و خداوند پیش از آفرینش جهان ابتدا آب، سپس همه مخلوقات را از آب آفرید. (معرفت، محمد هادی ۱۳۸۰ ص ۲۴۹) نظریه دانشمندان که عنوان می کنند دو سوم کره زمین را آب فرا گرفته است می تواند برگرفته از آیات قرآنی باشد.

نتیجه گیری:

از مجموع آنچه تحقیق شد به این نتیجه می رسیم علوم بشری از منظر قرآن کریم یکی از مباحث مهم و درخور توجه می باشد که بشریت در طول قرون مختلف و سالیان متمادی از برکت قرآن کریم به خیلی از علوم دست یافته است، به خصوص دانشمندان مسلمان گرچه قرآن کریم کتاب هدایت بشر است، اما در لابلای آیات آن، اشارتی به مسائل علمی هرچند گذرا دارد. همین انگیزه شده برای دانشمندان جهت بهره برداری از آیاتی که به گونه ای مسائل دقیق علمی در آن ها مطرح شده است. از جمله حرکت زمین، باروری درختان به وسیله بادهای، کیفیت خلقت انسان و تطورات آن، دو بعدی بودن انسان

- سعيد جعفر، شهيدى، تهران، انتشارات علمى فرهنگى
۱۳۷۴
- ۷- گلبنى، محمد بن يعقوب، كافى، بيروت، دارالكتب
الاسلاميه، ۱۳۸۸
- ۸- مؤدب، محمد رضا، اعجاز قرآن، قم، چاپ احسن
الحديث ۱۳۷۹
- ۹- متقى هندى، على بن حسام الدين، كنز العمال ج ۱۰،
بيروت، مؤسسه الرساله ۱۴۰۹ ق
- ۱۰- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه
الوفاء، ۱۴۰۳
- ۱۱- محمد بن حسين، شريف رضى، نهج البلاغه، ترجمه،
تهران سازمان كتابهاى جيبى ۱۳۵۴
- ۱۲- محمد بن على بن الحسين، توحيد صادق، بيروت،
دارالمعرفه افست از چاپ تهران ۱۳۴۶
- ۱۳- محمد هادى معرفت، علوم قرآنى، قم، مؤسسه فرهنگى
تمهيد ۱۳۸۰
- ۱۴- مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، ج ۲، تهران، انتشارات
صدرا ۱۳۸۲
- ۱۵- مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، قم، انتشارات
دارالكتب الاسلاميه چاپ نهم ۱۳۷۰